

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حرفه‌جینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژنسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژنسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

عشق دیوانه‌وار و یک طرفه به رفیق پوتین



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

حقیقت‌اش را بخوانید یا اینکه دو، سه روزی است از انتشار خبر دیدار لاوروف و نتانیاهو گذشته، اما من هنوز باورم نمی‌شود. در همین دو، سه روز شاید بیش از ۱۰ بار این خبر را خوانده‌ام و مدام با خودم گفته‌ام، شاید دروغ باشد. شاید من اشتباه می‌کنم. شاید در پس این جملات ظرافت‌ها و دقایقی باشد که در نگاه اول به چشم نمی‌آید. تا همین دیروز هم منتظر تکذیبی‌های، چیزی بودم تا متقاعد شوم ماجرا تا حدودی یا آنچه من دیده و خوانده‌ام، فرق دارد. فکر می‌کنم من هم از آن دسته خوش‌باورانی هستم که فکر می‌کنم روسیه جدی جدی در صف مبارزه با استکبار جهانی قرار دارد و مدافع مظلومان جهان است؟ فکر کردید من هم مثل بعضی از برادران دلاویز، حرف‌های آن تئورسین دیوانه را در باب یگانگی ما ایرانیان و روس‌ها باور کرده‌ام؟ خیر! ماجرا این نیست. اصلاً به حکم از کوزه همان برون تراود که در اوست، انتظار دیگری از رفقای روس نداشتم. بارها نوشته‌ام آن‌ها برادران تنی همان کسانی هستند که بر سر مردم ژاپن بمب اتم ریختند و جنگ ویتنام را بهره‌انداختند. منتهی فکر می‌کردم دست‌کم ظاهر ماجرا را رعایت می‌کنند. همان‌طور که دوستان آمریکایی‌شان رعایت می‌کنند و در همان حال که دارند اسرائیلی‌ها را تجهیز می‌کنند تا غزه را همراه با ساکنانش از روی زمین محو کنند، دلفکی مثل جو بایدن را جلوی می‌اندازند تا بگویند: اسرائیلی‌ها نباید در کشتار غیرنظامیان بی‌پروا عمل کنند اما ظاهراً رفقای کاخ کرملین نیازی به این مقدار پنهان‌کاری هم نمی‌بینند و بی‌تعارف چشم در چشم همه جهانیان می‌دوزند و کشتار هزاران هزار زن و کودک را مبارزه با نازی‌های خوانند.

حالا باز یاد پدر روس‌ها را با یاد مرد که بی‌پرده‌پوشی موضع دولت‌شان را در قبال جنگ غزه بیان کردند. همان‌طور که بارها و بارها موضع‌شان را درباره جزایر ایرانی بیان کردند و به‌صراحت طرف دشمنان ایران ایستادند؛ چیزی که این وسط اصلاً قابل هضم نیست، موضع دلاویز روس‌پرست است. حالا درباره ماجرای جزایر ایرانی می‌شود یک‌جوری این سکوت‌ها را توجیه کرد و فی‌المثل گفت: این غیور مردان، آب و خاک ایران برای‌شان اهمیت چندانی ندارد و همانند اقبال لاهوری معتقدند: مرز و بوم ما به‌جز اسلام نیست. اما درباره ماجرای اسرائیل و کشتار مردم بی‌پناه غزه چه؟ سکوت این دوستان ضدغرب و متمایل به شرق در قبال ابطال آقای لاوروف چه‌معنایی دارد؟ اصلاً این چه جور عشق و علاقه دیوانه‌واری است که هیچ‌رقم‌خنده بر نمی‌دارد. طرف به تمامیت ارضی سرزمین متعرض می‌شود، اما تو چیزی نمی‌گویی. به اعتقادات تو همین می‌کند، چیزی نمی‌گویی. رسماً و علناً با دشمن قسم‌خورده تو نشست و برخاست می‌کند و نرد عشق می‌بازد و بزرگترین جنایت بشری حال حاضر دنیا را مبارزه با نازیسم می‌خواند و تو باز هم چیزی نمی‌گویی. «لا مصلح! حدیق‌ف این عشق یک طرفه و سوزان کیجاست؟ به‌قول شاعر:

گرم صد بار سوزی باز بر گرد سر تو / نیم پروانه کز یک سوختن در دست و پا افتم
حقیقتاً نسبت عاشقانه برخی از دوستان دلاویز با رفیق پوتین، مصداق همین بیت است. هر بلایی هم که معشوق بر سر این عشاق سینه‌چاک بیابود، باز هم چیزی از ارادت آن‌ها کاسته نمی‌شود. چیزی که من آن را فهم نمی‌کنم این نسبت عاشقانه و جنون‌مندانانه است: نسبتی که به هیچ متر و معیاری نمی‌توان آن را فهمید. نه در عالم سیاست مصداقی دارد، نه حتی در فیلم‌های بالیوودی. یک چیز عجیب‌وغریبی است که نیاز به مطالعه جدی و عمیق روانشناسانه دارد.

اگر منافع ملی شرط است که دیگر هیچ قدرتی حتی آمریکای جهانخواه تا به این اندازه تمامیت ارضی ما را به‌سخره نگرفته است و در دفاع از سیاست‌های سلطه‌طلبانه و تجزیه‌طلبانه دیکتاتورهای مترجم منطقه سینه‌چاک نداده است. اگر شعارهای انقلابی بی‌شرمانه لاوروف در حمایت از رژیم صهیونیستی و حمایت آشکار از کشتار مردم بی‌پناه غزه، دیگر جایی برای توجیه باقی نگذاشته است.
تنها چیزی که در حال حاضر به ذهنم می‌رسد اینک: هرکس به پنهان‌آمیزی خواهد حمله به اوکراین را تأیید کند و انشاهای کودکانه‌ای مثل دردم شکستن نظم نوین جهانی یا مبارزه با تک‌قطبی شدن جهان را برای ما قرائت کند، باید در نیت‌اش شک کرد. بعد از این هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست و مبلغان عظمت رفیق پوتین یا خائن‌اند یا ماموران رسمی سازمان چپمی‌ک. گ. ب.



مدعیان در بحران

سرمربیان دو باشگاه مدعی پرسپولیس و سپاهان با پایان نیم فصل استعفا داده‌اند و تیم‌های خود را وارد بحران کرده‌اند

به باشگاه سپاهانی پرداخت کند. در حالی که باشگاه استقلال با آرامش کامل به تعطیلات رفته و قهرمانی نیم‌فصل را نیز در شبکه‌های اجتماعی جشن گرفتند، وضعیت تیم‌های دوم و سوم لیگ برتر که دست بر قضا فاصله یک و دو امتیازی با صدرنشین دارند، بحرانی است. یحیی اصرار دارد که فسخ قرار او انجام شود و موریس نیز دیگر نمی‌خواهد در ایران مربیگری کند.

یحیی به امارات یا قطر می‌رود؟

بعد از قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر، جام‌حذفی و سوپر جام در فصل گذشته، انتظار هواداران پرسپولیس این بود که قرارداد تمام اعضای کادر فنی این تیم تمدید شود. همه تمدید کردند به‌جز کریم باقری که از زمان مربیگری برانکو در این تیم حضور داشت. شایعات مجازی اینطور می‌گفت که برخی مسئولان غیرفوتبالی از کریم باقری درخواست کردند تنها در صورتی می‌تواند قراردادش را با پرسپولیس تمدید کند که دوپست اینستاگرامی خودش را پاک کند. کاری که بعضی دیگر از مربیان انجام دادند، اما کریم باقری زیر بار چنین درخواستی نرفت و قراردادش تمدید نشد. حالا شایعات حاکی از آن است که اگر قرارداد یحیی گل محمدی در پایان فصل تمام شود یا خودش زودتر از موعد استعفا دهد، دیگر حق مربیگری در ایران را ندارد. موضوعی که پیش‌تر برای علی دایی نیز رخ داد و هر باشگاهی که با دایی مذاکره کرد، به‌صورت غیرمستقیم به آن باشگاه اعلام شد که از مذاکره با دایی دست بردارد. ماه گذشته بود که یحیی گل محمدی سفری انفرادی به کشور امارات داشت. از آن روز یحیی صحبتی در خصوص سفر ۴۸ ساعته خود به امارات نداشته اما نزدیکان یحیی می‌گویند، او به قصد مذاکره با یکی، دو تیم اماراتی راهی این کشور شد تا در صورت فسخ یا پایان قراردادش با پرسپولیس، راهی را برود که فرهاد مجیدی طی کرده است. البته تمام این‌ها گمانه‌زنی است و حتی شخص کریم باقری نیز در خصوص اینکه چرا به‌یکباره مدیریت باشگاه پرسپولیس تصمیم گرفت با او قراردادش را تمدید نکند، صحبتی نکرده است. همچنین رضا درویش نیز همیشه از پاسخ به این سوال که چرا قرارداد با کریم باقری که عضو ثابت قهرمانی‌های چندسال اخیر بود تمدید نشد، طفره رفته است.

مربی ایرانی یا کروات؟

در هر صورت باشگاه پرسپولیس تا امروز برای یحیی گل محمدی صبر خواهد کرد تا وضعیت او به‌صورت رسمی با باشگاه مشخص شود. اگر یحیی قصد استعفا دارد، باید به‌صورت رسمی و مکتوب آن را ارائه کند. گفتنی است شایعاتی مبنی بر حضور برانکو ایوانکوویچ روی نیمکت پرسپولیس شنیده می‌شود، اما برانکو تا پایان جام‌ملت‌های آسیا با فدراسیون فوتبال عمان قرارداد دارد. روافق برانکو تا پایان بهمن‌ماه تحت قرارداد با عمان است و بعد از آن می‌تواند برای آینده خود تصمیم بگیرد. همچنین شایعات دیگر از مذاکره با اسکوپچ و وحید هاشمیان خبر می‌دهند. مربیان تیم ملی ایران با بی‌مهری تمام اخراج و جای خودشان را به کارلوس کی‌روسی دادند که یکی از عوامل نتایج ضعیف ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ بود. هواداران پرسپولیس بعد از استعفا یحیی گل محمدی موضع سختی علیه «حسین عبدی» سرمربی تیم ملی نوجوانان گرفتند و به مدیران باشگاه هشدار دادند، اگر یحیی گل محمدی استعفا کرد فقط باید به فکر مربی خارجی باشند. حسین عبدی، سابقه‌یک بار نخستین روی نیمکت پرسپولیس را به‌عنوان سرمربی در سال ۹۴ دارد که بعد از آن مسابقه، برانکو جای او را گرفت و به‌مدت ۴ سال در پرسپولیس کارش را ادامه داد. حالا نام‌هایی چون مهدی تارتار در کنار عبدی، اسامی مربیان ایرانی را تشکیل می‌دهد، همچنین مربیان کروات طبق عادت چندساله‌ی پرسپولیس بازم نقل‌وانتقالات را داغ کرده‌اند.



سپهر خرمی
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

پرسپولیس بعد از تساوی مقابل مس رفسنجان با ۳۰ امتیاز و کسب رتبه سوم، نیم‌فصل فوتبال ایران را به پایان رساند. در حالی که همه تیم‌ها برای آماده‌سازی بهتر خودشان را آماده می‌کنند، استعفای گل محمدی شرایط سختی را برای سرخپوشان تهرانی رقم زده است. با وجودی که شایعه جدی این است که یحیی در صورت پایان کارش با پرسپولیس دیگر نمی‌تواند در ایران کار کند، اما او مصمم است تا از این تیم جدا شود. از سوی دیگر ژوزه موریس که سابقه دستگیری موریس را در کارنامه خود دارد، به‌دلیل حواشی اخیری که برای سپاهان رخ داده، از قوانینی که به‌زعم او به‌صورت روزانه در حال تغییر هستند، به ستوه آمده و دیگر قصد ندارد به ایران برگردد. دو تیم مدعی قهرمانی، فعلاً مربی ندارند و باید در انتظار روزهای آینده سیر کنند.

یحیی از دسترس خارج، موریس در پرتغال

پس از اتفاقات هفته اخیر، روند خروج مربی با تجربه تیم سپاهان از اصفهان که پیش‌ازین شایعه فسخ قراردادش با سپاهان به گوش می‌رسید، با سرعت بیشتری در حال انجام است. سرمربی سپاهان بعد از شکست تیم‌اش مقابل شمس‌آذر، برای گذراندن تعطیلات زمستانی به کشورش بازگشته و گفته می‌شود که در گفت‌وگوهای خصوصی‌اش با مدیران باشگاه سپاهان از عدم تمایل خود برای ادامه همکاری پرده برداشته است. موضوعی که روز گذشته منوچهر نیکفر، سرپرست مدیرعاملی سپاهان هم آن را در رسانه‌ها تأیید کرد. موریس در گفت‌وگو با یکی از نشریات پرتغالی گفته، در ایران همه چیز عجیب است و قوانین در عرض چند ساعت می‌توانند تغییر کنند. کنایه موریس به محرومیت بازیکنانش دقیقاً یک‌ساعت قبل از شروع مسابقه این تیم با گل گهر سیرجان است که باعث شد این تیم برای دومین هفته پیاپی، شکست بخورد. همچنین اشتباهات داوری در دیدار با شمس‌آذر قزوین نیز مزید بر علت شد تا موریس نسبت به ادامه کار در ایران بیش از قبل مردد شود.

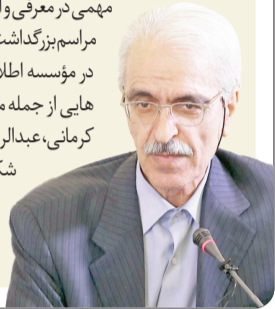
یحیی گل محمدی، سرمربی پرسپولیس، بعد از استعفایی که در نشست خبری دیدار با مس رفسنجان داد، تلفن همراه خود را خاموش کرد تا مدیران و بازیکنان پرسپولیس نتوانند با او ارتباط بگیرند. این هفتمین استعفای گل محمدی است، اما ظاهراً این بار قصد یحیی، جدی است و تمایلی به بازگشت ندارد. علیرضا بیرانوند بعد از سوت پایان مسابقه در جمع خبرنگاران از یحیی گل محمدی گلایه کرد که چرا با آنها در رختکن ورزشگاه صحبتی در خصوص استعفاایش نکرده و آنها را به این شکل سورپرایز کرده است. با این حال یحیی گل محمدی با دو بازیکن تیم صحبت کرد و از استعفاایش آنها را مطلع ساخت.

مدیران باشگاه سپاهان در تلاش هستند تا شرایط تیم را به حالت عادی برگردانند تا ژوزه موریس به تمرینات تیم برگردد. موریس روز گذشته از ایران به کشورش برگشت و حضور دوباره او در ایران، نامشخص است. البته که موریس فعلاً قراردادش را فسخ نکرده اما عصبانیت او پیش از ترک ایران، شایعات فسخ قرارداد را تقویت کرده است. موریس همچنین چند پیشنهاد جدی از لیگ پرتغال دارد و بعید نیست چنین پیشنهادهایی روی تصمیم او مبنی بر فسخ یک طرفه، اثر بگذارد. البته که موریس به‌خوبی می‌داند اگر بدون رضایت سپاهان، این باشگاه را ترک کند، باید غرامت سنگینی را بابت فسخ یک طرفه

چهره

نویسندگانی توانمند، روزنامه‌نگاری متعهد

جلال رفیع، نویسنده، طنزپرداز و روزنامه‌نگار در سال ۱۳۳۳ در تربت حیدریه متولد شد. او در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه تهران شد، رشته حقوق خواند و وکیل پایه یک دادگستری شد ولی دنبال کار وکالت نرفت. رفیع سال ۱۳۵۸ وارد روزنامه «کیهان» و مدتی عضو شورای سردبیری آن شد و از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷، عضو شورای سردبیری روزنامه اطلاعات بود. او در نیمه دوم سال ۶۷ تا اوایل سال ۶۸، ستون طنزی با عنوان «با اجازه» در روزنامه «کیهان» راه انداخت. جلال رفیع جدا از کار روزنامه‌نگاری، از سال ۶۵ چندسالی عضو شورای فرهنگ عمومی - زیرمجموعه شورای انقلاب فرهنگی - هم بود. عضویت در هیئت مؤسس انجمن موسیقی ایران و هیئت‌دوران جشنواره فیلم فجر از جمله دیگر فعالیت‌های جلال رفیع است. او از جمله چهره‌های برجسته ادبی و رسانه‌ای ایران است که نقش مهمی در معرفی و اعتلای فرهنگ و ادب فارسی داشته است. مراسم بزرگداشت این چهره نام‌اشنا روز سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه در مؤسسه اطلاعات برگزار شد. در این مراسم شخصیت‌هایی از جمله محمد جواد ظریف، محمد جواد حجتی کرمانی، عبدالرضا رحمانی‌فضلی، هادی خانیکی، یونس شکرخواه، فرشاد مهدی پور و برخی اساتید دانشگاه و حوزه، نویسندگان و اهل فرهنگ حضور داشتند.



کتابخانه

مجموعه شعری از غزلیات و رباعیات

«دنیای بی‌تو به دردم نمی‌خورد»، سروده امیرحسین فاخر، شامل غزلیات و رباعیات این شاعر است که در ۱۳۶ صفحه منتشر شده است. آغازگر این کتاب، غزلی با عنوان «کلام دل» است که فاخر آن را چنین سروده است: «به نام یار و به نام عشق و به نام شما / به شعر و نظم و ادب می‌کنم سلام شما / ز عشق تان چه بگویم زبان قاصر من / شما زبان دل هستی منم کلام شما / رسول عشق و وفا و سفیر معرفتی / جهان به پا شده اصلاً به احترام شما / همیشه مست و خراب می‌شما باشم / برای این که محبت بود به جام شما / مرا گرفته‌ای از خویش و داده‌ای در بند / چنان که فاخر مجنون شده غلام شما». پایان بخش کتاب «دنیای بی‌تو به دردم نمی‌خورد» نیز رباعی «حسن روی یار» است که حسین فاخر در آن می‌گوید: «خود را قلم شیخ اجل فرض کنم / صد واژه اگر ز خواجه هم فرض کنم / حتی نتوانم سخنی یا بی‌تی / از حسن روی تو ای جان جهان عرض کنم». «دنیای بی‌تو به دردم نمی‌خورد»، در ۶۰۰ نسخه منتشر شده است.



دنیای بی‌تو به دردم نمی‌خورد
نویسنده:
امیرحسین فاخر
انتشارات: نشر مایا

تاریخ

آغاز کنفرانس گوادلوپ



نشست گوادلوپ، کنفرانسی میان رؤسای چهار دولت آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان در جزیره گوادلوپ بود که از ۴ تا ۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ تا ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۷) برگزار شد. در این دیدار جنگ ویتنام و کامبوج،

خشونت در آفریقای جنوبی، افزایش نفوذ شوروی در خلیج فارس، کودتا در افغانستان و خشونت سیاسی در ترکیه مورد بحث قرار گرفت اما آنچه این کنفرانس را برای ایرانیان به رخدادی خاص بدل می‌کند، تصمیماتی است که در دیدار کاتر، ژنرال و ژنرال، کالاهان و اشمیت درباره تحولات انقلابی در ایران گرفته شد. آن‌طور که کاتر روایت کرده است، او در آن جلسه حمایت بسیار کمی از شاه توسط رؤسای ۳ دولت دیگر مشاهده کرده و همگی آن‌ها متفق القول بوده‌اند که شاه باید در سریع‌ترین زمان از ایران خارج شود. بعدتر اما ژنرال دستن در مصاحبه با روزنامه «توس» (۱۳۷۷) روایتی دیگر ارائه داد و گفت: «تنها کشوری که در این جلسه زنگ خاتمه حکومت شاه را به صدا درآورد، نماینده آمریکا بود و معتقد بود که وقت تغییر حکومت ایران است، به‌طوری که همه ما متحیر و متعجب شدیم؛ چون تا آن‌جا که ما مطلع بودیم آمریکا پشتیبان حکومت وقت ایران بود.»